

در خیابان است از دادن مالیات عاف باشند؟
اینکه معقول نیست -

خوب است تحقیق بفرامائید -
اصناف همه در مالیات دادن شریکند
و همان طور که عرض کردم هر سال هم رئیس
صنف اصناف را جمع می کند و رسیدگی
می کند اگر فرضاً یک نفر ریشان شده و
دیگری بجای او آمده از او مالیات نمی گیرند
و از آن کسیکه بجای او آمده مالیات
می گیرند -

راجع مالیات غیر مستقیم هم فرمودند
مالیات مبوه و ذغال و تره بار مستقیم و غیر
مستقیم در هر دولت هست - این صورتیکه با قاف
داده اند این صورت قدیم است بلی در وقتی
که این عوائد جدید یعنی مالیاتهای مشروطه
برقرار نبود جزو مالیاتهای سابق بود و به
عنوان مقاطعه همه ساله از هر محلی مبلغی
دریافت میشد ولی بعد از اینکه مالیات غیر
مستقیم مشروطه وضع شد

یکجا شد و حالا دیگر دو جا نمی گیرند
که در مالیات مستقیم یکجا از ذغال مالیات
بگیرند و در غیر مستقیم هم یک مالیات بگیرند
همچو چیزی نیست -

اما اینکه فرمودید حمل و نقل روغن و
عشور کبوسفند ایهم نیست فقط عشوری که
فرمودید هست آنهم در بعضی نقاط ایران
شاید یکی دوجا از آن جمله نی ریزی است
که فرمودید از کتیرا و غز بادام و بعضی چیز
های دیگر مالیات می گیرند

دیگر فرمودید مالیات اجاره تجارت
این را بنده که تا حالا نشنیده بودم بالینکه
خودم مقصدی امور مالیاتی بودم و در چند
نقطه هم که مأموریت داشتم و عمل کرده ام
ندیده ام و نه شنیده ام و تصور نمی کنم چنین
مالیاتی اصلاً در ایران وجود داشته باشد اما
راجع بقوائد عدلیه که فرمودید این یک
عوائد تازه نیست

همان عشریه است - این عشریه را که
عدلیه دریافت میکند بعنوان عوائد در یک جا
جمع شده و بمصرف خودش میرسد - دیگر
فرمودید مخارج غیر مترقبه را - نمی فهمم - بنده
هم عرض میکنم -

نمی فهمم دولت و مجلس هم نمیتوانند
بفهمند - کمیسیون هم نمی فهمد اگر می فهمیدیم
یک قلم ثابت می نوشتیم که اینقدر برای فلان
مصرف - مخارج غیر مترقبه اسمش روی
خودش است

باید مخارج غیر مترقبه پیش بیاید تا
تا مقدارش معلوم شود و آنوقت بنده و جناب مالی
هم بفهمیم و اگر این لایحه را ملاحظه می -
فرمودید یک ماده مخصوص دارد که مخصوصاً
قید شده است (هر گونه پرداختی از اعتبار
مخارج غیر مترقبه دولت منوط با اجازه کتبی
هیئت وزراء خواهد بود و از این اعتبار بهیچ
وجه من الوجوه حقوق و مستمریات و اضافات
حقوق تأدیه نخواهد شد) اما بعد آقای وزیر

مالیه صورتی می آورند که مخارج غیر مترقبه
برج گذشته مان این اندازه بوده است - اینجا
هم طبع و توضیح میشود بین آقایان نمایندگان
مثل اینکه سابقاً هم بمنظور بوده است - آن
وقت اگر آقایان اعتراضی دارند از هیئت
دولت سؤال میکنند که این قلم را که اینجا
نوشته اند بفلان مصرف رسیده است چیست؟
البته بشما توضیح میدهند و قانع میشوید

حالا آقای ضیاء الواعظین میفرمایند که
چرا مبلغ دوست و فلان قدر نوشته اند شاید
زیادتر بنده عرض میکنم اگر زیادتر شد
پیشنهاد جدیدی تهیه میکنند و بمجلس تقدیم
میکند ما هم پس از مطالعه تصویب میکنیم -

ضیاء الواعظین - پولش را از کجا
می آورید؟

مخبر - وقتیکه آن لایحه را آوردند
بنده مجلس را بشما عرض میکنم -
یکی هم راجع به مخارج انتظامی فرمودید
که این مخارج انتظامی مربوط وزارت خانه -
های دیگر است هیچ همچو چیزی نیست
مربوط بخود وزارت مالیه است مخارج
انتظامی وزارت مالیه چیست مثلاً زراعت
یکجائی را سن زده است یا عیب دیگری پیدا
کرده است این را میخواهند عوض نمایند
صدخوار میدهند و صد تاد و تومان هم میدهند
آنوقت صدخوار جنس خوب می گیرند

مثلاً در دهات خالصه یا این که قنوات
خالصه جات دولتی مغروبه شده است آنها را
تعمیر میکنند و از این قبیل مخارج ضرابخانه
و سایر چیزهای دیگری که دولت مجبور
است این پولها را بدهد بعد هم آن پول
خود را بر میدارد شاید هم یک اندازه زیاده
هایدی بردارد و شاید هم متساوی بشود
شاید هم کمتر شود و مالیات جنسی هم کمتر
شود و مالیات جنسی هم که فرمودید این
مالیات جنسی مربوط به املاک خالصه
نیست

این مالیات جنسی است که از املاک
اربابی و املاک انتقالی که منتقل بمردم
میشود وصول میشود و مربوط به
چیز دیگری نیست - دیگر بنده چیزی
نظرم نیست که جواب عرض کنم
رئیس - چون نزدیک ظهور است
اجازه میفرمائید جلسه ختم شود؟

جمعی از نمایندگان - صحیح
است -

رئیس - جلسه آتی روز یکشنبه
دستور هم بودجه مملکتی
(مجلس موقع ظهر ختم شد)
رئیس مجلس شورای ملی مؤتمن الملک
منشی - علی اقبال الملک
منشی - معظم السلطان

جلسه هشتاد و دوم

**صورت مشرح یوم سه شنبه
بیست و ششم عقرب ۱۳۰۴
مطابق بیستم ربیع الثانی
۱۳۴۳**

مجلس دو ساعت و یک ربع قبل
از ظهر بریاست آقای مدرس
نایب رئیس تشکیل گردید
صورت مجلس یوم پنجشنبه ۲۱
عقرب را آقای اقبال الملک
قرائت نمودند

نایب رئیس - آقای آقامیرزا بداند
خان در صورت مجلس فرمایشی دارید؟
آقامیرزا ایدالله خان - بلی بنده
راغائبی اجازه نوشته اند در صورتیکه
بنده اجازه خواسته بودم ممکن است از
کمیسیون هریض تحقیق شود تا معلوم
گردد -

نایب رئیس - تحقیق میشود - آقای
قائم مقام در صورت مجلس فرمایشی داشتید؟
قائم مقام - بلی بنده بواسطه خراب
بودن راه پنج روز تلگرافاً تمدید اجازه
خواسته ام و کمیسیون هم تصویب کرده است
با این حال در روزهم زودتر از موقع آمده ام
خواستم تذکر بدهم که بنده غائبی اجازه
نیستم -

نایب رئیس - تحقیق میشود بعد
اصلاح میشود -
آقای اجاق
(اجازه)

آقای حسن اجاق - بنده در
صورت مجلس عرضی ندارم
نایب رئیس - آقای افشار
(اجازه)

افشار - بنده هم بعد از تصویب صورت
مجلس عرضی دارم
نایب رئیس - آقای مدبر الملک
(اجازه)

مدبر الملک - بنده عقیده ام این
است -
برای اشخاصیکه دفعتاً مریض میشوند
ترتیبی معین شود - بنده از کمیسیون هریض
و مرخصی اجازه خواسته بودم ولی همه روزه
نشیده ام بنده را در صورت مجلس غائبی
اجازه نوشته اند

نایب رئیس - خوب بود یاد داشت
میدادید -
مدبر الملک - کتباً هم اطلاع
داده بودم

نایب رئیس - آقای حاج زالملک
(اجازه)
حاج زالملک - بنده عرضی
ندارم -

نایب رئیس - آقای ضیاء الواعظین
در صورت مجلس فرمایشی دارید؟
ضیاء الواعظین - خیر - بعد از
تصویب صورت جلسه -

نایب رئیس - در صورت مجلس دیگر
فرمایشی نیست؟
(اظهاری نشد)
نایب رئیس - صورت مجلس
تصویب شد -
آقای افشار
(اجازه)

افشار - بطوریکه اغلب از آقایان
نمایندگان مسبق هستند درش مال قبل
از این پس از انقلاب ارومیه مبلغی اعانه برای
اهالی آنجا جمع آوری شد که اهالی ایران
و حتی ایرانیان خارجه پرداختند که آن مانع
بالغ بر ۵۷۰۰ تومان بود این مبلغ یک
عنوانی وارد تجارتخانه طومه انس شد آن هم
در موقعی که طومانیاس دوشرف
ورشکست شدن بود پس از چندی در دوره
چهارم تقبیل صد هزار تومان اعتبار اعانه
برای ارومیه تخصیص داده شد

اخیراً یک نفر نماینده از طرف وزارت
مالیه بعنوان توزیع اعانه بارومیه رفت و
و این اعانه بین افراد تقسیم شد و در از آن
کلیه دارائی آنها توقیف شد -

امروز مأمورین وزارت مالیه با کمال
فشار در ارومیه بشمول جمع آوری قسط
اول اعانه که بآنها داده شده هستند و تا
کنون چندین مرتبه تلگرافهای تهدیدیه
است -

بنده نمیدانم این مبلغی را که مجلس
دوره چهارم برای اهالی ارومیه تخصیص
داده بعنوان اعانه؟

بعلاوه وجوهیکه اهالی ایران داده
بودند برسم اعانه داده بودند نه بعنوان
قرض که حالا مأمورین وزارت مالیه قسط
اول این اعانه ها را با کمال فشار از مردم
مطالبه میکنند -

خوبست ترتیب این را بفرامائند که بنده
هم مطلع شده و جواب آنرا بدهم
نایب رئیس - این سؤال شما معلوم
نیست از کی بود و کی باید جواب بدهد البته
اگر کسی اطلاع داشته باشد از اوضاع
مجلس دوره چهارم در خارج جواب خواهد
داد -

آقای ضیاء الواعظین
(اجازه)
ضیاء الواعظین - آقای ساداسلطنه
مخبر محترم کمیسیون بودجه در جلسه گذشته
فرمودند -

فلانکس از نقطه نظر خوش آمد اصلاً
یک اظهاراتی میکند در صورتی که شاید
خودشان تصدیق بفرامائند که بنده از نقطه
نظر خوش آمد هیچوقت اظهاراتی نمی
کنم -

مطابق ماده ۱۰۹ نظامنامه میخواستم
در همان جلسه جواب عرض بکنم ولی جلسه
ختم شد در صورتیکه اگر از نقطه نظر خوش
آمد اصناف و اشخاص و طبقات من می
خواستم اظهاراتی بکنم
مواقع مهمه که از جلو من گذشت از
من فوت نمیشد و در صورتیکه و افسان اینطور
مرفی شده باشم -

تصور میکنم جبران مافات هم برای من مشکل نباشد در قسمتهای دیگر هم که فرمودند و قتیکه مواد بودجه مطرح شود بنده جواب بیاناتشان را عرض خواهم کرد .

نایب رئیس - آقای آقا میرزا

یدالله خان .

(اجازه)

آقای میرزا یدالله خان - سابقاً از طرف نمایندگان محترم راجع بموضوع گامگیری و مسئله مالکین بی استطاعت اظهاراتی شده بود و بنده هم در این موضوع پیشنهادی تقدیم مقام محترم ریاست کرده بودم .

بعد از طرف وزارت مالیه اظهار شد که پول گاو داده شده است بنده در روز قبل از محل آمدن تمام رعایای خالصه بواسطه نداشتن گاو دست و بالشان بسته شده و ابداً هم يك دينار پول گاو بآنها داده نشده در موضوع مالکین بی استطاعت هم که مخبر محترم کمیسیون اظهار داشتند که مفتش رفته است .

ابداً نمیتواند و نه مفتش بمحل فرستاده نشده است .

از مقام محترم ریاست استدعا میکنم در این باب اقدامی فرمایند که گاو مردم زراعت مردم از بین نرود .

زیر این مسئله يك اطلاعیه بزرگی مبادات خواهم بود و تقریباً بیست روز دیگر بیشتر مردم نمیتوانند بدر بکارند .

چون معاون محترم وزارت مالیه هم تشریف دارند تقاضا دارم امر فرمایند که این مسئله را خامه بدهند .

نایب رئیس - خودشان تشریف دارند البته میشوند و اقدام میکنند .

آقای محمدولی میرزا

(اجازه)

عرض کنم اگر آقایان اجازه بدهند هر چند آقای معاون وزارت مالیه تشریف دارند جواب اظهارات آقای افشار را بدهم .

در دوره چهارم که بنده افتخار عضویت مجلس شورای ملی را داشتم راجع باین مسئله مذاکرات مفصلی شد و بنا شد يك اهانت و مساعدنی باهالی ارومیه بشود و جبران يك قسمت از خسارات وارده بآنها بعمل آید .

نظر مجلس شورای ملی این بود که بعنوان اعانه یعنی بلاعوض مبلغی بآنها داده شود .

ولی در کمیسیون قوانین و مالیه و کمیسیون بودجه که خود بنده هم آنوقت عضویت داشتم این مسئله مطرح است بواسطه ضیق مالیه و فراهم نشدن وجه رئیس مالیه هم که تازه آمده بود در این باب يك اطلاعیه تقدیم مجلس نمود که این وجه بعنوان مساعده باهالی ارومیه پرداخت شود و بهین طریق هم کمیسیون بودجه تصویب کرد و وجهی بعنوان

مساعده باهالی داده شد و در مقابل از آنها وثیقه گرفته شد که بعد مسترد شود و وجه را اخذ نمایند و حالا هم بر طبق همان قرارداد رفتار میکنند .

چیز تازه نیست خود آقای معاون وزارت مالیه هم تشریف دارند میتوانند در جزئیات توضیحات کاملتری بدهند .

نایب رئیس - حالا موقع توضیح دادن نیست اگر سؤال بود ممکن بود توضیح بدهند .

(آقای معاون وزارت مالیه بطرف کرسی نطق حرکت کردند)

نایب رئیس - تأمل فرمایید شعبات تشکیل شود بعد از آن فرمایشاتشان را بفرمایند .

جمعیه از نمایندگان - (باهمه) ایشان همه وقت میتوانند صحبت کنند .

نایب رئیس - میخواهید بفرمایید بفرمایید .

معاون وزارت مالیه - يك فقره لایحه پیشنهادی وزارت مالیه است برای اصلاح بودجه که بمجلس آمده است که شاید باین وسیله رفع اختلافات نظریه که در بودجه حاصل شده بشود تقدیم مینمایم .

يك فقره دیگر لایحه راجع بمستمری سه نفر صاحب منصبان سوبدی مقتول که بموجب آن قانون مستمری که از مجلس گذشته است آنها نمیتوانند مستمری اخذ کنند زیرا که مشمول یکی از بندها و مواد آن قانون نمیشوند بنابراین لایحه در این باب تقدیم میشود .

آقای سید یعقوب - که مشمول شود ؟

معاون وزارت مالیه - يك فقره دیگر لایحه راجع بعقوب د کتر کین است که بموجب فرمان دارای حقوقی هست ولی چون باید پرداخت آن بموجب تصویب مجلس باشد از این جهت تقدیم میشود .

يك فقره هم لایحه است راجع بمیرزا یوسف خان که مرحوم شده است و عضو اداره مالیه بوده است .

چون مشمول قانون استخدام نبوده است .

آقای سید یعقوب - مشمولش کرده اید ؟

معاون وزارت مالیه - برای اولاد و بازماندگان او ماهی ده تومان پیشنهاد شده است که اگر مجلس تصویب کند باو پرداخته شود .

قبل از اینکه وارد دستور شویم يك سؤالی از طرف آقای یاسائی نماینده محترم سمنان و دامغان در باب برداشت يك مبلغی که بتوسط خود بنده شده است از وزارت مالیه شده .

استدعا میکنم اجازه بفرمایید آن سؤال بشود تا جواب عرض کنم .

نایب رئیس - این چهار فقره لایحه

ارجاع میشود بکمیسیون بودجه آقای یاسائی .

(اجازه)

یاسائی - سؤال بنده از وزارت مالیه این بوده است که بموجب دو فقره مراسله که از اداره گمرک بوزارت مالیه یکی بنمره (۲۷۱۶) و دیگری بنمره (۲۱۸۵) در تاریخ ۱۳۳۵ نوشته شده است که آقای فرزند يك فقره بازه هزار تومان از صندوق کرمانشاه و يك فقره چهار هزار و شصت و کسری تومان از صندوق کردستان برداشت کرده اند .

این مسئله در یکی از جرائد مرکزی که گویا روزنامه معشر باشد بطور سؤال یا استعمال درج شده .

بنده با کمال اطمینان و عقیده که با آقای فرزند دارم و کلاً بصحت عمل ایشان در خدماتی که کرده اند معتمد سؤالم راجع بجزیه معشر و مدیران است .

بعد از اینکه این خبر منتشر میشود گویا مدیر معشر را که بنده ندیده ام و نمی شناسم تعقیب میکنند و میرند بمجلس چندی در حبس نمره يك یا دو نمیدانم در سیاه چال های نظمی ارا حبس میکنند و پس از چندی نمیدانم بچه واسطه وسیله مدیر معشر را آزاد کرده ملتزم میکنند که حتماً باید آن خبر را تکذیب کنی .

بنده از لحاظ آزادی مطبوعات و از نقطه نظر اینکه مدیر روزنامه باید فوق العاده محترم باشد و از نظر اهمیت مطبوعات هیچ مجوزی ندیدم که اگر يك مدیر روزنامه يك سؤالی از يك وزیر کرد و خواست از يك قضیه مستعجز شود و عامه را مستعجز نماید او را تعقیب نموده مورد مجازات و سختی قرار دهند مطابق قانون مطبوعات و وزارت معارف تا اندازه .

مطبوعات عدلیه و مدعی العموم در حدودی میتوانند جرائد یا کسانی را که خبری در جرائد درج کرده اند تعقیب کنند و اسناد آنها را بخواهند و بعد آنها را تسلیم محکمه مخصوص این کار کنند و مطابق قانونی که از مجلس دوره چهارم گذشته آنها را محاکمه کنند .

این اقداماتی که شده است چون برای این اقدامات مجوزی بنظر بنده نرسید این بود که سؤال کردم حالا که آقای معاون تشریف دارند لابد سابقه قضیه را آنطور که بوده است بیان خواهند فرمود .

معاون وزارت مالیه اجازه میفرمایند از آقای نماینده محترم سؤال کنم مراسلانی که ذکر فرموده اند ملاحظه فرموده اند ؟

باخیر بموجب يك اطلاعاتی است که تحصیل کرده اند ؟

یاسائی - خبر بنده ندیده ام فقط در روزنامه معشر درج شده بود و چون بر اثر آن مدیر جریده معشر حبس شد این بود که

بنده سؤال کردم .

معاون وزارت مالیه - بنده اگر چه جواب يك همچو سؤالی را بمجال بوده است در موقع دیگر هم عرض کنم لیکن نظر بامیت فوق العاده که برای شخص بنده دارد و البته برای يك مؤسسه یا مؤسسات دولتی که مثل منی در آنجا مصدر کار است بامیت است باین جهت امروز با اینکه مریض بوده ام با احالت کسالت مخصوصاً شریاب شدم که این جواب را عرض کنم .

آقای نماینده محترم میفرمایند همچو مراسلاتی را خودشان ندیده اند فقط يك همچو مطلبی را در يك روزنامه دیده اند و بعلاوه در سؤال خودشان بالصراحه مینویسند - اگر مقام ریاست اجازه فرمایند بنده این آن را میخوانم :

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی دامت شو کته (استدعا دارم خوب توجه بفرمایند) آقای میرزا محمد علیخان فرزند معاون وزارت مالیه بموجب دو مراسله به نمره ۲۷۱۶ و به نمره ۲۱۸۵ در تاریخ ۱۳۳۵ میل خودشان گرفتار این قبیل مسائل باشند و باید يك فکر اساسی راجع باین قضایا بشود و هر وقت شد البته يك تأیینی در حیثیات اشخاص پیدا میشود .

بنابراین نسبت بآنچه که جریده موسوم بمعشر نوشته بود اهمیت ندادم تا اینکه این ورقه سؤال در سه چهار روز قبل بوزارت مالیه رسید و بنده در جلسه گذشته توفیق پیدا نکردم که جواب عرض کنم و تا امروز سخت ترین زندگانی را گذراندم تا اینکه خودم را برسانم بيك چنین موقعی که در مقابل همچو اظهار تفقیدی که يك نفر نماینده محترم در رسیدگی بامور مملکتی و در حل گیری از برداشت ها و اختلاسات و انتظام امور و تشویق مستخدمین خادم و تشکیل اعضائیکه در وزارتخانه ها و ادارات ممکن است فاسد باشند اقدام می فرمایند شرفیاب شوم و تشکرات خود را به ساحت مقدسشان عرض کنم .

در حال به آن روزنامه اهمیت ندادم ولیکن سؤالی که بکنفر نماینده محترم ایران در مجلس شورای ملی ایران از يك نفر نماینده دولت میکند من هم اگر اهمیت ندهم بامیت قضیه دارای يك اهمیت زیادی باید باشد و محتاج بتوضیح و شرح هم نیست در آنجا هائی که تأسیس پارلمان کرده اند و با اصول پارلمانی زندگی میکنند همیشه قضایائی را در پارلمان طرح میکنند که آن قضایا بامدا کره با اشخاص و دوائر و مقامات مربوطه حل نمی شود .

یا بمناسبت سیاست داخلی یا خارجی لازم میدانند آن قضایا را در پارلمان مطرح کنند .

و از طرف دولت نماینده بیاید و در آنجا مذاکراتی بکنند و قضیه را خامه بدهند .

بنده بمسائلی که در جرائد مطالب نوشته میشود خیلی اهمیت میدهم و لیکن بمطلبی که در يك ورقه موسوم بیک جریده نشر شود اهمیت ندادم ام و نمیدهم .

همانطور که در دو سال قبل بيکی از اوراق طهران بنام يك جریده نوشته بود که بنده مبلغ یا صد تومان از يك وكيل عدلیه رشوه گرفته ام ما هم فرستادیم آمدند و از مدیر آن روزنامه تحقیق کردیم کردیم .

بالاخره در نتیجه کنجکاوی که شداصل قضیه معلوم شد که از چه ناحیه این اقدامات شده بود تمام را ملتفت شدیم بعد گفتیم این قبیل اوراق اهمیت ندارد .

زیرا متأسفانه در این اواخر مشروطه و آزادی که ما خواستیم بگیریم این نوع چیزها زیاد است و اگر اشخاص بخواهند وقت خودشان را مشغول این رشته از مسائل بنمایند .

باید در تمام بیست و چهار ساعت وقت خودشان گرفتار این قبیل مسائل باشند و باید يك فکر اساسی راجع باین قضایا بشود و هر وقت شد البته يك تأیینی در حیثیات اشخاص پیدا میشود .

بنابراین نسبت بآنچه که جریده موسوم بمعشر نوشته بود اهمیت ندادم تا اینکه این ورقه سؤال در سه چهار روز قبل بوزارت مالیه رسید و بنده در جلسه گذشته توفیق پیدا نکردم که جواب عرض کنم و تا امروز سخت ترین زندگانی را گذراندم تا اینکه خودم را برسانم بيك چنین موقعی که در مقابل همچو اظهار تفقیدی که يك نفر نماینده محترم در رسیدگی بامور مملکتی و در حل گیری از برداشت ها و اختلاسات و انتظام امور و تشویق مستخدمین خادم و تشکیل اعضائیکه در وزارتخانه ها و ادارات ممکن است فاسد باشند اقدام می فرمایند شرفیاب شوم و تشکرات خود را به ساحت مقدسشان عرض کنم .

در حال به آن روزنامه اهمیت ندادم ولیکن سؤالی که بکنفر نماینده محترم ایران در مجلس شورای ملی ایران از يك نفر نماینده دولت میکند من هم اگر اهمیت ندهم بامیت قضیه دارای يك اهمیت زیادی باید باشد و محتاج بتوضیح و شرح هم نیست در آنجا هائی که تأسیس پارلمان کرده اند و با اصول پارلمانی زندگی میکنند همیشه قضایائی را در پارلمان طرح میکنند که آن قضایا بامدا کره با اشخاص و دوائر و مقامات مربوطه حل نمی شود .

بنابراین بنده شخصاً بآن ورقه اهمیت ندادم ولیکن چون این مسئله بعنوان سؤال از طرف نماینده مجلس شورای ملی داده است قضیه خیلی اهمیت دارد و بایشجهت است که نسبت بامیت قضیه اگر آقایان اجازه بفرمایند برای اینکه يك نگرانی مسائل توضیح داده شود و روشن شود اظهاراتی میکنم .

نویسنده جریده معشر پس از مدتی تحقیقات و تعقیبات بالاخره گفته بود و این طور فرض کرده بود که بنده که آقای معاون وزارت مالیه هستم (خنده نمایندگان) و ایشان از من انتظاراتی داشته اند (وهم چنین خیلی اشخاص دیگر) بنده ایشان را بکاری نگذاشتم ام بلکه سبب زحمت و فحاشی او شده ام و از این نقطه نظر است که من منشاء يك همچو عملی واقع شدم .

لهذا جا دارد که البته يك تلافی شده باشد و باین جهت يك همچو چیزی نوشته بود و اگر من يك آدم بد گمان و ناپخته باشم چون نویسنده در روزنامه این طور گفته ناچار می شوم قضیه را به سختی خودم رآورم .

یعنی همچو فرض میکنم که خدای تعالی اینطور بوده است که سؤال نماینده محترم هم بمناسبت این بوده است که بعضی تقاضاها دارند و اغلب اوقات به وزارت مالیه تشریف میآورند و بيك کارهائی دارند .

بنده در انجام آنها کوتاهی کرده ام یا اینکه میرزا ابوالمظاہر یا میرزا ابوالمظاہر که نمیدانم کیست و آقایان بمن توصیه فرمودند که بکاری بگمارم و من نتوانستم بایشجهت منفور آقا واقع شدم .

البته هم نخواهم کرد .

لیکن میخواهم فقط در این قضیه که سؤال شده است تحقیقات بعمل آید و يك قدری مطلب معلوم شود که اوضاع مالیه مملکت روی چه مداري گردش میکند و خیلی متأسفم از اینکه آقای نماینده محترم رعایت اداء بیگان و کلمات را آنطوری که شایسته است نکرده اند چون همانطور که عرض کردم ایشان فرموده اند که بنده فلان مبلغ و فلان مبلغ بموجب مراسله که دارای این دو نمره است گاهیجا ذکر شده است برداشت کرده ام و گفته اند که بر حسب اطلاعی که داشته ام یا دارم یا قیاس کرده ام یا فرض کرده ام يك همچو چیزی اتفاق افتاده است .

اگر میگفتند که بموجب اطلاعاتی که بمن داده اند همچو چیزی شده است و سؤال میکنند :

(این سؤال صحیح است یا نیست مسئله دیگری است زیرا) در آن قسمت هم بنده باز حرف داشتم و گمان میکنم حیثیات و افتخارات و شئونات يك نفر را با

قیاس و تصور و مسامحات و این قبیل اطلاعات نمی شود آلت و ملعبه و بازی قرار داد .

خیر اینطور نیست اینجا نوشته اند که بموجب دو مراسله و دو نمره فلان مبلغ برداشت کرده اند و بنده گمان میکنم که این مسئله قابل تأمل است .

اگر از برای کسی از نقطه نظر فردی قابل اهمیت نباشد برای شخص بنده به منتها درجه سنگین و قابل توجه است و عموماً با گمان ترا کت و رعایت مراسم ادب آنچه را که برای توضیح قضیه لازم است بساحت محترم نماینده سمنان و دامغان عرض میکنم .

آه وقت اگر محتاج باشد که بيك مسائلی در خارج مذاکره شود مربوط به اینجا نیست ولی حالا عرض میکنم که بيك چنین مسئله را که نماینده محترم اظهار فرمودند بنده عرض میکنم دروغ است و چون عرض کردم بوم که حتی المقدور باید رعایت نزاکت و مراسم ادب را بکنم بنابراین کلمه دیگری را عرض میکنم کذب است (خنده بعضی نمایندگان) یا مقرون بصحت نیست .

و بنده اجمالاً حضور محترم آقایان عرض میکنم که این اصطلاحات و کلماتی که از چندی باین طرف معمول شده است و عبارت است از استفاده ، تقدیمی ، تعارف (و از این قبیل اصطلاحات که در مواقع درداد همین کلمات است و بنده آنها را کنار میگذازم) همه را در مقام خود تعبیر می کنم به دزدی .

یعنی بيك کسی و بيك شخص شرافتمندی که در مال دیگری و مالی که متعلق باونست دست درازی بکند این ترتیبات و تعبیرات بی حاصل است و بنده فقط بيك کلمه دزدی قناعت میکنم و اگر بالاخره برسیم باینجا که برداشت هم در عداد این کلمات باشد .

(دیگر سلسله نماینده محترم چه باشد چه عرض کنم) بنده اهل برداشت نیستم .

بطور کلی بنده همچو خیال میکنم که بيك فردی که در بيکی از مؤسسات دولتی یا مملکتی مشغول خدمت است و او را محل اعتماد قرار داده اند و در روی نوشتجات و اوراق امضاء میکند و امضاء او بداخل و خارج میرو و مسائل رسمی با امضاء او طرح و حل میشود .

آیا بيك همچو آدمی آنقدر بی مطالعه میشود گفت برداشت کرده ؟ باید آن نمرات را دید .

آن مراسلات را دید بجهت اینکه گوینده يك نفر نماینده محترم مجلس شورای ملی است و موضوع بحث هم راجع میشود به

يك وزارتخانه صرف نظر از اینکه بنده دارای حیثیاتی باشم یا نباشم یا بنده و هم حیثیتی برای خودم قائل شوم ولی قضیه مربوط به يك نفر معاون وزارتخانه است برداشت برداشت !! آقا با برداشت نمیشود زندگی کرد .

مگر هر کس پهلوی بيك وجهی واقع شد و برداشت هم برایش ممکن بود (یعنی توانست تصرف در مال غیر بکند) میتواند برداشت کند ؟ نمیدانم نماینده محترم بيك ساعتی در بابك تشریف برده اند و در آنجا نشسته اند با اینکه در آنجا پول هم زیاد است و وقتی که بیرون میآیند آیایک مبلغی هم برداشت میکنند ؟ خیر . چنین چیزی عرض میکنم .

مطلب از دو حال خارج نیست یا اینکه مطالب را حساب و قواعد و نظامات در تحت تربیت آورده است یا اینکه وجدان و خدا شناسی و ایمان و حیثیت اشخاص نگاهداری کرده است .

بنده دارای هر کدام از این حیثیات باشم گمان میکنم برداشت و اطلاق برداشت نسبت ببنده معنی نداشته باشد .

اگر بنده اهل برداشت (با اصطلاح آقای نماینده محترم) بودم مدتی ضرابخانه دولتی زیر دست بنده بود .

نمیدانم آقا همچو چیزی داده اند یا خیر ؟ خروار ها خروار شش تفره و طلا میآمد و خروارها خروار مسکوت بیرون میرفت و بنده هم آنجا در برل غوطه بخوردم بنابراین باید صدها هزار تومان تا کنون برداشت کرده باشم .

بنده مدتی خزانه دار مملکت شما بودم و در این مملکت میلیونها تومان بامضای من روی چکها بایانکها رفته است .

اگر بنده اهل برداشت بودم بایستی حالا چندین میلیون تومان برداشت کرده باشم .

بعلاوه اگر بيك هزارم از این چند هزار تومان پول را که آقا فرمودند بنده برداشت کرده بودم امروز شاید لازم نمی آمد که بیایم بساحت مقدسشان اظهار تشکر کنم .

در حال بطور کلی مقصود عرضم از این قضایا این بود که مطالبی که از محیط يك پارلمان و از ناحیه بيك نفر نماینده مجلس شورای ملی چه نسبت بيك مؤسسه دولتی باشد وجه نسبت بيك شخص مخصوص اظهار تشکر کنم .

بنده این مسئله را بعنوان نصیحت خدمت آقا عرض نمیکنم .

زیرا شخصاً هر چه هستند نمیدانم ولی مقام ایشان که نمایندگی است بيك مقامی است که اقتضای این را ندارد که من بطور نصیحت چیزی خدمتشان عرض کنم و اگر بخواهم چیزی عرض کنم در خارج عرض خواهم کرد .

بنده این مسئله را بعنوان نصیحت خدمت آقا عرض نمیکنم .

زیرا شخصاً هر چه هستند نمیدانم ولی مقام ایشان که نمایندگی است بيك مقامی است که اقتضای این را ندارد که من بطور نصیحت چیزی خدمتشان عرض کنم و اگر بخواهم چیزی عرض کنم در خارج عرض خواهم کرد .

بنده این مسئله را بعنوان نصیحت خدمت آقا عرض نمیکنم .

زیرا شخصاً هر چه هستند نمیدانم ولی مقام ایشان که نمایندگی است بيك مقامی است که اقتضای این را ندارد که من بطور نصیحت چیزی خدمتشان عرض کنم و اگر بخواهم چیزی عرض کنم در خارج عرض خواهم کرد .

بنده این مسئله را بعنوان نصیحت خدمت آقا عرض نمیکنم .

زیرا شخصاً هر چه هستند نمیدانم ولی مقام ایشان که نمایندگی است بيك مقامی است که اقتضای این را ندارد که من بطور نصیحت چیزی خدمتشان عرض کنم و اگر بخواهم چیزی عرض کنم در خارج عرض خواهم کرد .

بنده این مسئله را بعنوان نصیحت خدمت آقا عرض نمیکنم .

زیرا شخصاً هر چه هستند نمیدانم ولی مقام ایشان که نمایندگی است بيك مقامی است که اقتضای این را ندارد که من بطور نصیحت چیزی خدمتشان عرض کنم و اگر بخواهم چیزی عرض کنم در خارج عرض خواهم کرد .

بنده این مسئله را بعنوان نصیحت خدمت آقا عرض نمیکنم .

زیرا شخصاً هر چه هستند نمیدانم ولی مقام ایشان که نمایندگی است بيك مقامی است که اقتضای این را ندارد که من بطور نصیحت چیزی خدمتشان عرض کنم و اگر بخواهم چیزی عرض کنم در خارج عرض خواهم کرد .

بنده این مسئله را بعنوان نصیحت خدمت آقا عرض نمیکنم .

زیرا شخصاً هر چه هستند نمیدانم ولی مقام ایشان که نمایندگی است بيك مقامی است که اقتضای این را ندارد که من بطور نصیحت چیزی خدمتشان عرض کنم و اگر بخواهم چیزی عرض کنم در خارج عرض خواهم کرد .

بنده این مسئله را بعنوان نصیحت خدمت آقا عرض نمیکنم .

زیرا شخصاً هر چه هستند نمیدانم ولی مقام ایشان که نمایندگی است بيك مقامی است که اقتضای این را ندارد که من بطور نصیحت چیزی خدمتشان عرض کنم و اگر بخواهم چیزی عرض کنم در خارج عرض خواهم کرد .

بنده این مسئله را بعنوان نصیحت خدمت آقا عرض نمیکنم .

زیرا شخصاً هر چه هستند نمیدانم ولی مقام ایشان که نمایندگی است بيك مقامی است که اقتضای این را ندارد که من بطور نصیحت چیزی خدمتشان عرض کنم و اگر بخواهم چیزی عرض کنم در خارج عرض خواهم کرد .

بنده این مسئله را بعنوان نصیحت خدمت آقا عرض نمیکنم .

زیرا شخصاً هر چه هستند نمیدانم ولی مقام ایشان که نمایندگی است بيك مقامی است که اقتضای این را ندارد که من بطور نصیحت چیزی خدمتشان عرض کنم و اگر بخواهم چیزی عرض کنم در خارج عرض خواهم کرد .

بنده این مسئله را بعنوان نصیحت خدمت آقا عرض نمیکنم .

زیرا شخصاً هر چه هستند نمیدانم ولی مقام ایشان که نمایندگی است بيك مقامی است که اقتضای این را ندارد که من بطور نصیحت چیزی خدمتشان عرض کنم و اگر بخواهم چیزی عرض کنم در خارج عرض خواهم کرد .

بنده این مسئله را بعنوان نصیحت خدمت آقا عرض نمیکنم .

زیرا شخصاً هر چه هستند نمیدانم ولی مقام ایشان که نمایندگی است بيك مقامی است که اقتضای این را ندارد که من بطور نصیحت چیزی خدمتشان عرض کنم و اگر بخواهم چیزی عرض کنم در خارج عرض خواهم کرد .

بنده این مسئله را بعنوان نصیحت خدمت آقا عرض نمیکنم .

زیرا شخصاً هر چه هستند نمیدانم ولی مقام ایشان که نمایندگی است بيك مقامی است که اقتضای این را ندارد که من بطور نصیحت چیزی خدمتشان عرض کنم و اگر بخواهم چیزی عرض کنم در خارج عرض خواهم کرد .

بنده این مسئله را بعنوان نصیحت خدمت آقا عرض نمیکنم .

زیرا شخصاً هر چه هستند نمیدانم ولی مقام ایشان که نمایندگی است بيك مقامی است که اقتضای این را ندارد که من بطور نصیحت چیزی خدمتشان عرض کنم و اگر بخواهم چیزی عرض کنم در خارج عرض خواهم کرد .

بنده این مسئله را بعنوان نصیحت خدمت آقا عرض نمیکنم .

زیرا شخصاً هر چه هستند نمیدانم ولی مقام ایشان که نمایندگی است بيك مقامی است که اقتضای این را ندارد که من بطور نصیحت چیزی خدمتشان عرض کنم و اگر بخواهم چیزی عرض کنم در خارج عرض خواهم کرد .

بنده این مسئله را بعنوان نصیحت خدمت آقا عرض نمیکنم .

زیرا شخصاً هر چه هستند نمیدانم ولی مقام ایشان که نمایندگی است بيك مقامی است که اقتضای این را ندارد که من بطور نصیحت چیزی خدمتشان عرض کنم و اگر بخواهم چیزی عرض کنم در خارج عرض خواهم کرد .

بنده این مسئله را بعنوان نصیحت خدمت آقا عرض نمیکنم .

زیرا شخصاً هر چه هستند نمیدانم ولی مقام ایشان که نمایندگی است بيك مقامی است که اقتضای این را ندارد که من بطور نصیحت چیزی خدمتشان عرض کنم و اگر بخواهم چیزی عرض کنم در خارج عرض خواهم کرد .

بنده این مسئله را بعنوان نصیحت خدمت آقا عرض نمیکنم .

زیرا شخصاً هر چه هستند نمیدانم ولی مقام ایشان که نمایندگی است بيك مقامی است که اقتضای این را ندارد که من بطور نصیحت چیزی خدمتشان عرض کنم و اگر بخواهم چیزی عرض کنم در خارج عرض خواهم کرد .

بنده این مسئله را بعنوان نصیحت خدمت آقا عرض نمیکنم .

زیرا شخصاً هر چه هستند نمیدانم ولی مقام ایشان که نمایندگی است بيك مقامی است که اقتضای این را ندارد که من بطور نصیحت چیزی خدمتشان عرض کنم و اگر بخواهم چیزی عرض کنم در خارج عرض خواهم کرد .

بنده این مسئله را بعنوان نصیحت خدمت آقا عرض نمیکنم .

زیرا شخصاً هر چه هستند نمیدانم ولی مقام ایشان که نمایندگی است بيك مقامی است که اقتضای این را ندارد که من بطور نصیحت چیزی خدمتشان عرض کنم و اگر بخواهم چیزی عرض کنم در خارج عرض خواهم کرد .

بنده این مسئله را بعنوان نصیحت خدمت آقا عرض نمیکنم .

زیرا شخصاً هر چه هستند نمیدانم ولی مقام ایشان که نمایندگی است بيك مقامی است که اقتضای این را ندارد که من بطور نصیحت چیزی خدمتشان عرض کنم و اگر بخواهم چیزی عرض کنم در خارج عرض خواهم کرد .

بنده این مسئله را بعنوان نصیحت خدمت آقا عرض نمیکنم .

زیرا شخصاً هر چه هستند نمیدانم ولی مقام ایشان که نمایندگی است بيك مقامی است که اقتضای این را ندارد که من بطور نصیحت چیزی خدمتشان عرض کنم و اگر بخواهم چیزی عرض کنم در خارج عرض خواهم کرد .

بنده این مسئله را بعنوان نصیحت خدمت آقا عرض نمیکنم .

زیرا شخصاً هر چه هستند نمیدانم ولی مقام ایشان که نمایندگی است بيك مقامی است که اقتضای این را ندارد که من بطور نصیحت چیزی خدمتشان عرض کنم و اگر بخواهم چیزی عرض کنم در خارج عرض خواهم کرد .

بنده این مسئله را بعنوان نصیحت خدمت آقا عرض نمیکنم .

زیرا شخصاً هر چه هستند نمیدانم ولی مقام ایشان که نمایندگی است بيك مقامی است که اقتضای این را ندارد که من بطور نصیحت چیزی خدمتشان عرض کنم و اگر بخواهم چیزی عرض کنم در خارج عرض خواهم کرد .

بنده این مسئله را بعنوان نصیحت خدمت آقا عرض نمیکنم .

زیرا شخصاً هر چه هستند نمیدانم ولی مقام ایشان که نمایندگی است بيك مقامی است که اقتضای این را ندارد که من بطور نصیحت چیزی خدمتشان عرض کنم و اگر بخواهم چیزی عرض کنم در خارج عرض خواهم کرد .

بنده این مسئله را بعنوان نصیحت خدمت آقا عرض نمیکنم .

زیرا شخصاً هر چه هستند نمیدانم ولی مقام ایشان که نمایندگی است بيك مقامی است که اقتضای این را ندارد که من بطور نصیحت چیزی خدمتشان عرض کنم و اگر بخواهم چیزی عرض کنم در خارج عرض خواهم کرد .

بنده این مسئله را بعنوان نصیحت خدمت آقا عرض نمیکنم .

زیرا شخصاً هر چه هستند نمیدانم ولی مقام ایشان که نمایندگی است بيك مقامی است که اقتضای این را ندارد که من بطور نصیحت چیزی خدمتشان عرض کنم و اگر بخواهم چیزی عرض کنم در خارج عرض خواهم کرد .

در حال يك كسى كه بخواهد شئون اجتماعى را دعوت كند (كاهن وظيفه مجلس شورای ملي است) بايد سمى كند كه شئون فرداى كه در آن هيئت اجتماعى زندگى ميكنند خاصه كسانى كه وجود آنها منشاء اتمى در امور اجتماعى است رسواست.

اگر من بمنزل خودم بروم و اولاد من از من سؤال كند و بگويد من در سايه تربيت كسى واقع شده ام كه يك نفر نماينده مجلس شورای ملي ميگويد فلان قدر برداشت كرده است من چه جواب بدهم؟ آقا سيد يعقوب اندازه دارد از اندازه خواجه نشويد.

بعضى از نمايندگان (با همه) بگذايد حرفشان را برند آقا سيد يعقوب ديگر از اندازه خارج نيابد شد.

معاون وزارت ماليه چيزى را كه باز بچه نميشود گرفت بگي دم شير و بگي حبيبات افراست است.

مراسلاتى را كه آقا ذكر و اشاره فرمودند كه يكى نمره ۲۷۱۶ و ديگرى نمره ۲۱۸۵ است كه بموجب آنها بنده يك فقره چهار هزار و شصت تومان و يك فقره ديگر يازده هزار تومان برداشت كرده ام بايد عرض كنم كه همچو چيزى نبوده است.

چهار هزار و شصت تومان را صندوق كمر كردستان بنمون مساعده و كك خرج صندوق ماليه كردستان بموجب يك قبوض و اسناد خرجى در زمانى كه بنده در كمران شاه بوده ام داده اند اينها را پيدا كرده ام و اينجا حاضر است يك فقره ديگر يازده هزار تومان است كه بموجب ۲۱۸۵ بنده برداشت كرده ام و بنده ابد و بهيج وجه من الوجود در خاطر ندارم كه همچو چيزى وجود داشته باشد.

بالاخره اگر اجازه بفرمائيد حالا ميخوانم ۲۱۸۵ بتاريخ ۱۹ ژوئن ۱۹۱۷ ۲۹ جوزاى تيرانيل ۱۳۳۵

وزارت جليله ماليه - توفيرا باستحضار خاطر مبارك مى رساند كه جناب آقاى نظام السلطنه قبل از حرکت از كمران شاه مبلغ يازده هزار تومان وجهى را كه در آن تاريخ موجودى صندوق كمران شاه بوده از صندوق كمر كيهلى ساخود داشته اينك دو فقره قبض رسيد يكى مبلغ (۵۷۰۰) تومان و ديگرى معادل (۵۲۰۰) تومان كه جمعا بالغ بر ۱۱ هزار تومان ميگردد

در موقع تحويل گرفتن وجه بصندوق كمر كيهلى كمران شاه سريده شده بضميمه يك فقره حكم پرداخت مبلغ مزبور به مهر نظام السلطنه تلو حضور محترم ارسال و ضمناً مبادرت مى نمايد كه مبلغ يازده هزار تومان در محاسبه جوازى تيرانيل

جارى جزء وجه پرداختى وزارت جليله ماليه از بابت سنه ماضيه لوى تيل ثبت و منظور گرديد .

از طرف مدير كل گمركات دلكروا

ابن همان مراسله نمره دو هزار و صد و هشتاد و پنج است كه آقا ذكر فرمودند و شايد بعضى از آقاىاني كه يك قسمت از لوقاشان را در آن اولان در وزارت ماليه صرف نموده اند خاطرشان مستعضر باشد در هر صورت عين مراسله هين بود كه قرائت شد .

حواله هم كه آقاى نظام السلطنه داده اند اين است :

اداره كل گمركات كمران شاهان - مبلغ يازده هزار تومان فوريت بپردازد كه بايد بصارف لازمه فوري برسد .

نظام السلطنه اين مبلغ را با اداره تشكيلات بپردازند و رسيد در پايان دارند .

نظام السلطنه نظام السلطنه هم مرد شريفى است و براى خودش برداشت نكرده است . يك نفر عنصر يك شما كه الان رياست مجلس را دارند دو آنجا بوده اند . حضرت والا شاهزاده سليمان ميرزا و آقاى حاج هز المالك هم تشریف داشته و مستحضرنه قضيه قضيه يكشاهى صد دينار نبوده است .

قبضى هم كه داده اند اجازه بفرمائيد بخوانم :

وسط اداره جليله كمركات كمران شاهان - مبلغ پنج هزار و هفتصد و پنجاه تومان بابت حواله يازده هزار تومان كه حضرت اشرف آقاى نظام السلطنه به كمر ك داده بودند بصندوق تشكيلات رسيد .

آقاى نظام السلطنه هم مرقوم فرموده اند : قبض صندوق صحيح است .

(نظام السلطنه) آ توسط اداره جليله كمركات كمران شاهان مبلغ پنج هزار و دوست و پنجاه تومان بابت حواله يازده هزار تومان كه حضرت اشرف آقاى نظام السلطنه بكمر ك داده بودند به صندوق تشكيلات رسيد .

امضاء تحويلدار صحيح است : نظام السلطنه ممكن است عين اينها را بمقام رياست بدهم .

خلاصه بنده همچو فرض ميكنم كه اوقات مجلس شورای ملي بايد بيك قضايى مهمه صرف شود نه بيك مطالبى كه شايد هيچ اهميتى ندارد و مبتنى بريك اشتباهاتى است .

در هر صورت قضيه اين

بود كه بعرض مجلس شورای ملي و آقاىان محترم ميرسانم و يك مسئله را كه خرج از اين محوطه است از مقام رياست اجازه ميخواهم عرض كنم و آن اينست كه ممكن بود نماينده محترم خودشان بصرافت طبع و بر حسب ضرورت از طريق مجلس شورای ملي يا شخصاً خودشان بوزارت ماليه مراجعه مي فرمودند مراسلات و نوشجياتى كه محتاج ارائه ميدانستند و امهار آنها را به دقت ملاحظه مي فرمودند .

زيرا هميشه اوراق و دفاتر وزارتخانهها براى نمايندگان مجلس شورای ملي باز و آزاد است .

حالا كه خودشان فرمودند آن اوراق را ملاحظه نفرموده اند (اينها هين اوراقى است كه نزد بنده است) و اشخاص ديگرى اين نمرات را خدمتشان داده اند .

و اشخاصى كه نمره مراسلات را داخل يك وزارتخانه ميبهند در اين موقع اتفاقاً كسى كه اين نمره را داده لابد آدم خوبى نبوده .

زيرا يك راپورت دروغى بيك آدم صالح خوب داده است .

ممكست يك وقتى يك آدم يك راپورت صحيحى بمقام غير صالحى بدهد كه براى مملكت اسباب زحمت فراهم كند و چون حفظ اسناد و نوشجيات در وزارتخانهها كمال لزوم را دارد از لحاظ انتظامات ادارى اگر ممكست خوبست آقاى نماينده محترم اسم آن شخصى كه اين راپورت اخذ مى كند داده است بفرمائيد تا انتظامات ادارى حفظ شود .

نائب رئيس - زائد نميدانم چند كلمه عرض كنم : اولاً اظهارات آقاى معاون وزارت ماليه بجاى خود صحيح است لكن اميدوارم هيچيك از نمايندگان كه هم تخواهند مقاصد خصوصى خودشان را در كارهاى عمومى دخالت بدهند .

و چون اشاره از ايام مهاجرت فرمودند لازم ميدانم عرض كنم كه در اين مهاجرت كه آقا هم تشریف داشتند آنچه يول از داخله ايران گرفته تمام صرف تشكيلات داخله خود ايران شد و دينارى از اين پولها بخارج از ايران نفرت و تمام صرف داخله شد .

اين يك كلمه اى بود كه لازم بود بفرمائيد ولى نفرمودند تمام پولهاى كه گرفته شد صرف داخله شد يا بنوعوامان بود يا به دست خود ايشان به ايران برگشت .

اين را بعضى تذكر عرض كردم كه دينارى از يول داخله ايران بخارج وارد نشد .

حالا اگر آقاىان اجازه بفرمائيد داخل دستور شوم .

ياسائى - بنده توضيح دارم

نائب رئيس - بفرمائيد ياسائى - چون غالب از بيانات آقاى معاون خارج از موضوع بود بنده ناگزيرم يك قدرى بيشتر از آنچه كه در نظامنامه بود بنده حق داده شده است توضيح عرض كنم شايد هم خارج از موضوع بشود .

نائب رئيس - خارج از موضوع كه نميشود توضيح داد پس شاد داخل در موضوع بفرمائيد .

ياسائى - نمايندگان محترم البته در نظر دارند كه بنده در حين سؤال عرض كردم كه نهايت اطمينان و حسن عقيدة را بصحت عمل آقاى فرزين دارم و سؤال بنده هم از اين نقطه نظر كه يك يول هاى گرفته اند يا نگرفته اند نبود بلكه از نقطه نظر تعقيب مدير محترم بود كه ايشان مدير روزنامه محترم را تعقيب كرده و در تحت تعقيبكات گذاشته اند و هين مسئله باعث شد كه بنده اين سؤال را كردم .

بنده كسى را ملاقات نكرده ام و كسى هم بنده مراجعه نكرده است فقط بنده اين مسئله را در روزنامه خواندم و يادداشت كردم و چندي هم نزد بنده بود و در نظر داشتم از خودشان بطور خصوصى سؤال كنم تا بالاخره از لحاظ اهميتى كه بنده بمطبوعات ميدهم قرار شد در مجلس سؤال بشود .

يك فرمايشانى كردند كه من كى هستم و نماينده كيست و چه اهميت دارد و اين اهميتى كه بنده دادم از نقطه نظر نمايندگى بود نه شخصى بنده .

خير اينطور نيست شما بايد از نقطه نظر شخص بنده به بنده اهميت بدهيد .

زيرا بنده يك خدمات مهمى در عديله اين مملكت كرده ام و ابداً سابقه ننگينى هم ندارم بلكه هميشه خدمات شايانى در عديله كردم و از بهترين قضاة عدليه شناخته ميشوم و بهترين معرف بنده هم يرسل وزارت عدليه و اداره امور عدليه است و تمام اهالى خطه شرق از عديلاتى كه بنده در دوره مأموريت خودم نموده ام كاملاً مسبوق هستند و ميدانند .

بنده هم اهميتى كه بشما ميدهم از نقطه نظر كار و از شما از اين لحاظ است كه شما معاون وزارت ماليه هستيد و يك مقامى را اشغال كرده ايد نه از نقطه نظر شخصى .

نائب رئيس - گمان ميكنم اين نحو از مذاكرات قدرى خارج از موضوع باشد .

ياسائى - آنوقت هم خارج از موضوع بود و اعطال نفرموديد . ايشان هم بيك مجلس توهين كردند و چيزى نفرموديد .

بعضى از نمايندگان (با همه)

مجلس چه مربوط بود . كجا بمجلس توهين كردند .

آقا سيد يعقوب - ديگر چه گفتند؟

ياسائى - با اصول هو كه نميشود جواب يك نماينده را داد .

ممكن بود ايشان بطور ساده جواب بفرمائيد و در صورتيكه مسئله كذب است است تكذيب بفرمائيد .

خيلى از سؤالات ميشود كه اصيل ندارد و دروغ است فوري تكذيب ميشود اين چيز تازه نيست كه بنده حالا اختراع كرده باشم .

در اطراف لغت برداشت يك بياناتى كردند .

الته لغت استفاده يك معنائى دارد - اختلاس كه بطل استعمال ميشود يك معنائى ديگرى دارد استعجال يك معنائى هر كدام از اين كلمات يك معنائى دارد و گاهى هم بطل استعمال ميشوند و هريك از اينها در اصطلاحات فقهى مورد مخصوصى دارد .

بنده نگفتم ايشان سرقت يا اختلاس كرده اند .

در روزنامه شرحى نوشته شده بود كه در زمان تصدى ايشان يك وجوهى برداشت شده است و چون اين شرح نوشته شده بود حقاً خوب بود همان وقت خودشان يادآور ماليه در همان روزنامه ياد آورده ديگر از خود دفاع كرده و مسئله را قويتاً تكذيب مى كردند .

نه اينكه او را در سياه چال نظيه بيندازند .

و بنده موجبى نداشتم كه اين سؤال را بكنم جز اينكه ايشان باعث شدند كه برخلاف قانون مدير روز نامه محترم را بحكومت نظامى و محبس ببرند و او را مجبور كنند كه مسئله را تكذيب نمايد .

از اين نقطه نظر بود كه بنده اين سؤال را كردم نه از نظر اينكه آقاى فرزين وجهى اختلاس كرده اند .

و كلمه برداشت هم يك چيزى است كه هم استعمال ميكنند نه بآن معنائى كه فرمودند .

و چون در مراسله كلمه مأخوذ نوشته شده بود بنده آن را فارسى كرده و به كلمه برداشت تعبير كردم . در ضمن فرمايشان يك اشاره كردند براينكه فلانكس در وزارت ماليه يك تقاضاهائى دارد و چون من نتوانستم تقاضاهائى خصوصى ايشان را انجام بدهم شايد خيال كرده اند من مانع انجام تقاضا هاى ايشان بوده ام از اينجهت براى انتقام خواسته اند از در ديگر داخل شوند و در نتيجه اين سؤال را كرده اند .

خير - بنده ابداً اين نظرها نداشته و همچوقت يك تقاضاى نامشروعى تا حال از هيچكس نكرده ام چه برسد بوزارت ماليه .

تقاضاهائى بنده در حدود شكايات و مراجعاتى است كه موكلين بنده به بنده ميكنند .

يك تلگرافاتى بتوسط بنده بوزارت ماليه ميرسد آن تلگرافات را بنده خدمت ايشان يا وزارت ماليه ميبيرم و مى گويم قضيه اينطور است و شما در فلان امر دقت كنيد .

مثلاً اگر نظرشان باشد در چندي قبل بنده در هين جا يك تقاضائى از وزارت ماليه كردم و آنهم راجع به قصبه سنگسر بود .

سنگسر يك قصبه است در نزديكى طهران و دارائى آن عبارت از يك سلسله كوسفند هائى است كه مى آورند و مى فروشند .

اينها در زمان جهان سوز ميرزا كه حاكم شاهرو بود يك باجى ميداده اند باسم باج جاسوز ميرزائى كه مبلغ آنهم بالغ بر هشتصد تومان بود .

بعد كه توماني يك عباسى معارفى هم ضميمه آن شده هشتصد و شانزده تومان است .

اين هشتصد تومان را باسم ماليات كوسفند سنگسر ماليه سمنان و شاهرو ميگرفت اخيراً حكم شده است بروند در هر كوير و كوسفند شماری كنند و ماليات را بگيرند و فرستاده اند دوسه هزار تومان گرفته اند .

سالى يك كمرتبه مأمور مي فرستند در يك محل مخصوص كه كوسفندها از آنجا عبور ميكنند و باج ميگيرند .

بنده تقاضا كردم در صورتيكه اداره ماليه مي فرستد ماشى و كوسفندها را شماره كرده و باج را ميگيرد ديگر اين هشتصد تومان بايد از ميان برود .

يك قسمت ديگر كه خودشان اشاره كردند راجع به ميرزا ابوالفاخرى است كه تحصيلات چندق بوده و جنگ را هم آقاىان ميدانند كه عبارت از قرائت واقع در مركز ايران محاط در كوير و صجرى لوت اداره پست و تلگراف هم ندارد يك نايب الحكومه در آنجا هست .

در سنه گذشته بواسطه عدم توجه وزارت ماليه ماليه محل حكومت آنجا يك مبالغى از اهالى محل گرفته و قبض داده و اهالى آن قبيضه را فرستاده اند بيش بنده كه حالا حاضر است .

بنده مراجعه كردم بوزارت ماليه و ماليه جواب داده است ما نميتوانيم بابت ماليات حساب كنيم و يا يستى از وزارت داخله جواب بخواهيد و اين مسئله تا زمان آقاى

منصور الملك اول كشيد و حالا ايشان كه اينجا هم تشریف دارند آن نايب الحكومه را تعقيب كرده اند و حتى بنده تقاضاى معاكمه ادارى اورا هم كرده ام و اميدوارم در حضور خود آقاى معاون وزارت داخله معاكمه بشود .

بالاخره بنده مراجعه كردم بوزارت ماليه كه در آنجا مأمورين اسباب زحمت مردم شده اند و ماليه هم پولى را كه مردم داده اند بنايب الحكومه آنجا قبض در پايان كرده اند قبول نميكنند و اين بواسطه اين است كه مأمورين ماليه در آنجا نبوده اند و اگر مأمور ماليه در آنجا حاضر باشد اين زحمت براى مردم توليد نميشود كه در مرتبه از آنها ماليات بخواهند .

يك تحصيلدارى از سابق بوده است از خود محل چون جندق يك محل كوچكى است و هزار و سصد تومان ماليات آنجا بيشتر نيست ناچار بايد يك نفر مأمور از اشخاص معلى باسم تحصيلدار در آنجا باشد و يك همچو شخصى هم در آنجا بوده و اين نه تنها در آنجا مرسوم است بلكه در همه جا تحصيلدارهاى معلى هست .

زيرا دولت نميتواند يك اشخاصى را از طهران با حقوقات گراف و مواجب زياد باشكونه محظله بفرستد آنهم بيك همچو نقطه كه حتماً اگر مأمورى از طهران برود صد تومان حقوق ماهيانه ميخواهد در صورتى كه تمام ماليات آنجا هزار و سصد تومان بيشتر نيست .

بعلاوه اين پيشنهادر را بنده نكردم اين پيشنهادر اداره ماليه سمنان كرده است و رؤسائى ماليه امضاء كرده اند و فرستاده اند و نميدانم در كجاها جريان ادارى داشته است .

در هر حال امين ماليه سمنان پيشنهادر كرده بود و اين يك موضوعى نبود كه ايشان بخواهند بعنوان دفاع در موضوع ديگرى عنوان كنند .

مقصود اين بود كه تقاضاهائى بنده از قبيل بوده است .

از اوراق سمنان مدنى است شكايات ميكنند . يك وقتى هم شاهزاده سردار مخم يك همچو سؤالى راجع بازراق قزوین از آقاى وزير ماليه كردند تقريباً عين هين قضيه در سمنان هست قيمت گندم و نان بگي است مردم آنجا داد و بیداد ميكنند كه در زمان استبداد هم اينطور نبوده هميشه نان بايد قيمتش ارزان تر از قيمت گندم باشد در آن زمان ها باز حكام براى جلب نظر مردم ميامند هر شش ماه يك مرتبه چراغى روشن ميكرند و نان را ارزان ميكرند ولى حالا قيمت نان مساوى قيمت گندم است .

در صورتى كه هميشه سه تومان قيمت نان بايد ارزانتر از قيمت گندم باشد .

در هر صورت اين شكايى بوده كه اهالى و تجار آنجا كرده و ميكنند بنده تقاضا كردم اگر ممكن است نان را ارزانتر كنند .

تقاضاهائى بنده از اين قبيل بوده است راجع بيبياناتى كه فرمودند در اصل قضيه هم بنده كه ناظر ايشان نبوده ام كه ايشان پول را برداشت كرده اند يا ديگرى برداشت كرده يا بچه مصرفى رسيده - سؤال بنده اين نبوده است .

سؤال بنده اين بوده كه مدير محترم كه يك مدير روزنامه است بچه ملاحظه و بچه مجوز قانونى تعقيبش كرده اند - برخلاف ترتيبات معموله .

اين سؤال بنده بوده است .

جمعى از نمايندگان - وارد دستور شويد .

فرزين معاون وزارت ماليه - بنده اجازه خواستم براى يك امرى كه براى شخص بنده اهميت فوق العاده داشت جواب عرض كنم .

چون در تمام مدت عزم يك همچو قضيه نظير نداشته است لازمست جواب عرض كنم .

اگر در يك مطالب اساسى مذاكره ميشد لازم ميدانستم چند جلسه در آن صحبت شود ولى قضيه اينطورها نيست كه آقا مي فرمائيد .

بنده وقت مجلس را تضبيع نمى كنم و هيئتقدر عين سؤال آقاى ياسائى را خواندم .

صحبت مدير روزنامه محترم در سؤال آقا نبود و بصراحت تام نوشته است كه فلان كس اين مبلغ را برداشت كرده است و بنده ميخواستم عرض كنم كه اين كلمه برداشت در آرشيو مجلس ميبانم .

در دوسيه هاى وزارت ماليه و در تمام مؤسسات دولتى ميبانم ضبط ميشود . البته يك چنين نوشته براى من اثرات سونى ميگذازد و اين اثر براى من واقعا من نباه كنده است عجباً !!

بنده اين را عرض ميكنم ايشان عرضى ندارند .

وزير فو اندعامه - دوقره سؤال شده بود از بنده حاضر جواب بدهم . شاهزاده محمد ولي ميرزا و آقاى مديبر الملك ازمن در دوقره سؤال كرده بودند اگر ميل دارند جواب عرض كنم .

مدير الملك - نظر بلاقائى كه در سه چهار روز قبل از آقاى وزير فو اندعامه نمودم و چند فقره تلگراف به بنده ارائه دادند بنده تاحدى قانع شدم و فعلاً عرضى ندارم اگر شكايى ديگرى رسيد البته بوظيفه كه عهده دار هستم رفتار خواهم كرد .

نائب رئيس - شاهزاده محمدولى ميرزا تشریف ندارند ؟

يك نفر از نمايندگان - خير

نایب رئیس - وارد دستور میشویم
قبلا شعبات باید انتخاب شوند.
عده ۱۰۷ نفر
هر شعبه ۱۷ نفر
پنج نفر باقی میماند که مجدداً به
شعبات تقسیم میشود.
(آقای معظم السلطان اسامی آقایان
نمایندگان را استقراع نموده شعبات سته
بطریق ذیل معلوم گردید.
شعبه اول:
آقای سردار معتمد. آقای حاج
عز الممالک. آقای ضیاء الواعظین. آقای
سهام السلطان. آقای هایم. آقای آقا
سید یعقوب. آقای شریعتمداد. آقای
ملک التجار. آقای ضیاء الملک. آقای
مدبر الملک. آقای حاج میرزا علی رضا.
آقای میرزا سلیم خان ایزدی. آقای
شیروانی. آقای محمد ولی میرزا. آقای
عماد السلطنه. شاهزاده شیخ رئیس. آقای
امیر اشرف.
شعبه دوم:
آقای مؤتمن الملک. آقای سیددار
اعظم. آقای میرزا محمد نجات. آقای
مدرس. آقای آقا شیخ محمد علی الموتی.
شاهزاده غلامحسین میرزا. آقای حاج میرزا
اسدالله خان. آقای مشار اعظم. آقای حاج
میرزا عبدالوهاب. آقای عدل الملک. آقای
آقا میرزا شهاب الدین. آقای دولت آبادی.
آقای سردار مخم. آقای امیر احتشام. آقای
آقا سید حسن اجاق. آقای معاضد السلطنه.
آقای سردار فاخر.
شعبه سوم:
آقای مقوم الملک. آقای آقا میرزا
یدالله خان. آقای آقا سید کاظم یزدی.
آقای معظم السلطان. آقای
شیخ العرافین زاده. آقای قائم مقام
آقای دستغیب. آقای شیخ هادی شیخ.
الرئیس. آقای دیوانبگی. آقای رهنما
آقای امین الشریعه. آقای آقا شیخ عبدالرحمن
آقای یمن الملک. آقای کی استوان.
آقای مستوفی الممالک. آقای آقا سید محمد
علی شوشتری. آقای امیراعلم.
شعبه چهارم: آقای آقا سید معیی.
الدین. آقای سردار نصرت. آقای مشیر.
الدوله. آقای اخگر. آقای حاج مشیر اعظم
آقای ناصر الاسلام. آقای زعیم. آقای
شیخ الاسلام ملایری. آقای مساوات.
آقای عصر انقلاب. آقای وکیل الملک.
آقای سهرابجان. آقای میرزا سید حسن.
کاشانی. آقای سردار منتصر. آقای ضیاء
الاطباء. آقای نصرت الدوله. آقای
کلزونی.
شعبه پنجم: آقای حاج آقا اسمعیل.
عراقی. آقای سلیمان میرزا. آقای مصدق.
السلطنه. آقای معتمد السلطنه. آقای
آشتیانی. آقای صدرائی. آقای آقا.
سید احمد بهبهانی. آقای مصدق الملک.

آقای شریعت زاده. آقای رئیس التجار.
آقای اعتبار الدوله. آقای صدق السلطنه.
آقای آقا شیخ محمد علی طهرانی. آقای
قوام الدوله. آقای ارباب کیخسرو. آقای
ملک الشعراء. آقای وحید الدوله.
شعبه شش: آقای تقی زاده. آقای
صدر العلماء مقنی. آقای نظم الملک عظیمی
آقای میرزا رضاخان افشار. آقای سید.
المحققین. آقای سید مصطفی بهبهانی.
آقای آقا شیخ علی مدرس. آقای میرزا.
جوادخان. آقای تدین. آقای یاسائی.
آقای اقبال الممالک. آقای داور. آقای
سید الله خان اسکندری. آقای آقا شیخ.
جلال. آقای سالار لشکر. آقای احتشام.
الحکماء. آقای صولت السلطنه.
نایب رئیس - پنج نفر دیگر هستند
اضافه میشود بر پنج شعبه.
(بترتیب ذیل اضافه شد)
شعبه اول - آقای سرکشک زاده
شعبه دوم - آقای مشار الملک.
شعبه سوم - آقای مشیر معظم
شعبه چهارم - آقای احیاء السلطنه
شعبه پنجم - آقای سردار عشایر
نایب رئیس - البته آقایان در وقت تنفس
که شعبات تشکیل میشود اعضاء کمیسیون
عرایض و مبتکرات را انتخاب خواهند
کرد.
حاج عز الممالک - خوبست وارد
دستور بشویم.
نایب رئیس - اگر آقایان اجازه میفرمایند
تنفس داده شود؟
جمعی از نمایندگان - صحیح است.
(در این موقع جلسه را برای تنفس
تعطیل ویس از یک ساعت و یک ربع مجدداً
تشکیل گردید)
نایب رئیس - چون دو نفر از آقایان
مرفوع داشته اند سؤالی از آقایان وزراء
در موضوع خوزستان بفرمایند.
عده برای مذاکره کافی است ولی برای
رأی کافی نیست.
بعضی از نمایندگان - رأی لازم ندارد
سؤالی است.
نایب رئیس - آقای تدین.
(اجازه)
تدین - نظر به اهمیت ولایت خوزستان
که جزء لاینفک ایران از قدیم بوده و هست
و خواهد بود.
نمایندگان - صحیح است.
تدین - و اخیراً یک پیش آمدهائی از
احیه شیخ خزعل شده است میخواهم سؤال
کنم از آقایان وزراء که در این باب و
وقایع که اخیراً اتفاق افتاده است اطلاعاتی
دارند بفرمایند تا اینکه رفع نگرانی عامه
تا اندازه از وضعیات آنجا بشود.
وزیر مالیه - خیلی مسرت دارم از
اینکه خدمت آقایان نمایندگان محترم
عرض کنم و اطلاع بدهم بایشان که دیشب

از طرف آقای رئیس الوزراء از برای
بنده تلگرافی رسیده است و مطلبی را که
ایشان سؤال میکنند این تلگراف جواب
میدهد و تصور میکنم بهتر از همه جوابها
همین است که تلگرافی را که ایشان بنده
مغایره نموده اند برای آقایان محترم قرائت
کنم که هم خاطرشان از مطلب مستحضر
میشود و هم ضمناً هم بعضی انتشارات و
اشاعات این چند روز اخیر که بنده اطلاع
دارم اسباب نگرانی شده بود آنها هم
تکذیب شود میفرمایند
در پایان عملیات قشونی و ورود من
بشیراز تلگرافی از خزعل باین جانب
رسیده که عیناً نقل و مخابره
مینمایم.
آستان مبارک حضرت اشرف آقای
رئیس الوزراء دامت عظمه.
بعضی ها فدوی را معتقد ساخته بودند
که حضرت اشرف نسبت به بنده احساسات
بی مهری و بی لطفی دارند ولی بحمد الله در
این اواخر مطلع گردیدم که حقیقت حال
چنین نیست و این مسئله موجب امیدواری
شد.
البته بر خاطر مبارک که معلوم است که
آن سوء تفاهم از دسائس و آثریکهای
بعضی مفرضین و مفسدین غیر از بختیاری
که البته نسبت بوجود مبارک و وجود ذیجود
حضرت اشرف عداوت داشتند و میخواستند
فدوی را آلت اغراض شخصی و مقاصد
دیرینه خود سازند تقویت و فزونی یافت و
بالاخره از کجی و اوج و جاج این مسلک
مطلع شده و اینک بعرض تأسف مبادرت
نموده و از اعمال ناشایستگی که در ظرف
این چند ماه گذشته از طرف این بنده نسبت
بدولت علیه سرزده معذرت میخواهد و در
آینده نیز کمافی السابق نهایت آمال فدوی
این است که نسبت بدولت متبویه کمال
خدمتگزاری را بعمل آورده و تا آخرین
درجه امکان بانهایت خلوص نیت و حسن
عقیده باجرای اوامر مبارک اقدام کنم
امیدواری کامل دارم که حضرت اشرف
نیز این تأسف را پذیرفته و باز هم فدوی
را مورد اعتماد قرار داده و ازدولت خواهی
اطمینان خواهند داشت
از قرار معلوم موکب عظمی این روز
ها بجنوب تشریف فرما میشود و اگر این
مسئله صحیح است خیلی شایق هستم که به
شرف ملاقات نائل شده و شخصاً بآن وجود
محترم که ریاست دولت متبویه را دارا هستند
تأسفات خود را از ماضی و تأمینات خدمت
گذاری و خلوص نیت را در آئینده عرض
کنم منتظر اظهار مرحمت و اجازه شرفیابی
هستم
خزعل جوابی را هم که از طرف
جانب باو مغایره شده است ذیلان نقل مینمایم
آقای سردار اقدس تلگراف شمارا
در شیراز ملاحظه کردم معذرت وندامت و

تأسف شما را میبینم در صورت
قطعی.
نایب رئیس - شاهزاده سلیمان میرزا
هم همین سؤال را داشتند سؤال آقای ملک
ملک الشعراء هم همین بود
جمعی از نمایندگان - دیگر متاع
نیست.
نایب رئیس - تکلیف بنده این است
که بعرض مجلس برسانم
ملک الشعراء - بنده سؤال دیگر
دارم.
وزیر فواید عامه - قبلاً باید اطلاع
بدهند.
نایب رئیس - اگر آقایان موافق
جلسه را ختم کنیم
جمعی از نمایندگان - معذور
است.
نایب رئیس - جلسه آتی پنجشنبه
ساعت ونیم قبل از ظهر
دستور بوجه مملکتی ولیکن فواید
آقایان باید شعبرا تشکیل بدهند
(مجلس یکساعت و یک ربع بعد از ظهر
از ظهر ختم شد)
رئیس مجلس شورای ملی - مدرس
منشی - علی اقبال الممالک
منشی - معظم السلطان
جلسه ۸۳
صورت مشروح مجلس
یوم پنجشنبه بیست و هشتم
برج عقرب ۱۳۰۳ مطابق
بیست دوم ربیع الثانی ۱۳۰۳
(مجلس دوساعت قبل از ظهر برپا
آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید)
(صورت مجلس یوم سه شنبه بیست و هفتم
ششم عقرب را آقای اقبال الممالک
نمودند)
رئیس - آقای مدبر الملک
(اجازه)
مدبر الملک - راجع به سؤال
بنده در موضوع راه مراغه از آقای
فوائد عامه نموده بودم در صورت
اشاره نشده است
رئیس - سؤالی که نکردید
سؤالی دارم
مدبر الملک - ولی وضعی که
عرض کردم خوبست در صورت مجلس
شود که بدانند بنده سؤال کرده ام
رئیس - آقای حاجری زاده
(اجازه)
حاجری زاده - بنده بعد از ظهر
صورت جلسه عرض دارم
رئیس - آقای آقا سید یعقوب
بصورت مجلس است؟
آقا سید یعقوب - خیر عرض
بعد از تصویب صورت مجلس است
رئیس - نسبت بصورت مجلس
نیست؟